



تحریر فدایی از دین در قالب دعا/مروزی بر فعالیت سیاسی امام سجاد(ع)

روزگار امامت حضرت سجاد(ع) سیاه ترین، تاریک ترین، ظلمانی ترین و خفقان آمیزترین مرحله تاریخ تشیع و در عین حال درس آموزترین، تنبه آفرین ترین و بیدارکننده ترین تاریخ شیعه است.

روزگار امامت حضرت سجاد(ع) سیاه ترین، تاریک ترین، ظلمانی ترین و خفقان آمیزترین مرحله تاریخ تشیع و در عین حال درس آموزترین، تنبه آفرین ترین و بیدارکننده ترین تاریخ شیعه است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشت شفاهی حجت الاسلام محمدعلی مهدوی راد استاد دانشگاه تربیت مدرس در خصوص زندگانی امام سجاد(ع) است که از نظر می گذرد.

دعاهای منحصر به فرد امام سجاد(ع)

بنده دوستی در لبنان دارم که مشغول ترجمه متون دینی شیعی به زبان اسپانیایی است. سالها قبل صحیفه سجاده را به اسپانیایی ترجمه کرد. آقای شیخ محمد معلمی عالم بسیار فرزانه خراسانی، ایشان سالها در آرژانتین بودند و لذا زبان اسپانیایی ایشان از زبان خود اسپانیایی ها بهتر است. ایشان به من می فرمودند چون صحیفه سجاده را ترجمه کردم برای اینکه اشتباه ساختاری و جمله ای نداشته باشد و از کلمات مطمئن باشم به سفارت آرژانتین در لبنان رفتم. کشیشی در آنجا کارمند بود. این ترجمه را به او نشان دادم و گفتم این ترجمه 10 روز پیش شما باشد.

لازم نیست همه آنرا تطبیق دهید از هر جایی یک صفحه، نیم صفحه، یک خط، دو خط را ببینید که به من اطمینان بدهید که در ترجمه اشتباهی ندارم. دو هفته بعد به ایشان زنگ زدم گفتم بیایم ترجمه را بگیرم؟ گفتند: دو هفته دیگر بیا. دو هفته دیگر زنگ زدم، گفت دو هفته دیگر بیا. گفتم من به شما عرض کردم لازم نیست همه متن را تطبیق کنید، فقط ببینید اشتباه نداشته باشم. گفت: اگر دو هفته دیگر به من وقت بدهید متن را به شما می دهم. یک و ماه و نیم از این ماجرا گذشت، آخرین باری که زنگ زدم، گفت: دو هفته بعد قطعاً من این را به شما می دهم. دو هفته بعد دوستم برای گرفتن ترجمه رفت و پرسید: آقا چرا این قدر برای مطالعه اجمالی این کتاب طول دادید؟ گفت: این کتاب، کتاب عجیبی است.

این کتاب خیلی شگفت انگیز و حیرت آور است. به این دلیل طول دادم که از طریق این کتاب به دعای ائمه دیگر شما راهنمایی شدم رفتم همه دعاها را از کتابفروشی های لبنان خریدم و به همه نگاه کردم و همه را مطالعه کردم باز هم دعاهای این امام شما در سنجش با دعاهای ائمه دیگر شما متفاوت است. تفاوت های عجیبی دارد از جمله تفاوت های این است که در هیچ دعایی از دعاهای ائمه به اندازه دعاهای امام سجاد، صلوات وجود ندارد.

امام مرتب می فرماید: درود بر پیغمبر و خاندانش. این دوست من شب به من زنگ زده که بپرسد این صلواتها در صحیفه سجاده چه کار می کنند؟ چون خودش نتوانسته بود جواب این کشیش را بدهد. جواب دادم، حضرت سجاد(ع) سرمایه عجیبی است. این تعبیر عین الفاظ مقام معظم رهبری است که بعدها مکتوب هم شده است. زاویه نگاهم به شناخت اهل بیت(ع) صد در صد تحت تأثیر این شخصیت بزرگ جهان اسلام است.

ایشان می فرمودند که روزگار امامت حضرت سجاد(ع) سیاه ترین، تاریک ترین، ظلمانی ترین و خفقان آمیزترین مرحله تاریخ تشیع و در عین حال درس آموزترین، تنبه آفرین ترین و بیدارکننده ترین تاریخ شیعه هم هست. حضرت سجاد(ع) رویارویی با دشمن، حکومت، حاکمیت و امویت درنده را از مرحله سکوت محض آغاز کرده تا به رویارویی محض رسید. درک این نکته بسیار مهم است. دعاهای امام سجاد(ع) یک مکتب است. دعاهای حضرت سجاد(ع) یعنی تفسیر دوباره دین و رهایی دین از تحریف.

قیام حرّه و امام سجاد(ع)

شاید برای کسانی که تاریخ اسلام و تاریخ امام سجاد(ع) را مطالعه می کنند سؤال باشد که چرا امام سجاد(ع) در قضیه حرّه چیزی نگفتند، نه تنها موضع نگرفتند حتی از شهر بیرون رفتند. در بیرون مدینه خیمه زدند. وقتی یزید اعلام کرد مسلم بن عقبه که بعدها معروف شد به مسرف بن عقبه، به مدینه حمله کرد و سه روز ناموس و جان و مال مردم بر او آزاد و مباح باشد و جنایتی کرد که در تاریخ بشریت بی نظیر است. مردم مدینه تا بیست سال وقتی دخترانشان را عروس می کردند دختر بودنشان را شرط نمی کردند، اینقدر جنایت کردند. در این حادثه امام سجاد(ع) چیزی نگفت. امام در مدینه بودند اما رفتند در بیرون

مدینه چادر زدند و زیر آن چادر زندگی کردند، همین مسلم بی سر و پای ظالم اعلام کرد هر کس زیر پرچم علی بن حسین و زیر چادر علی بن حسین قرار بگیرد با او کاری نداریم.

متأسفانه عالمی را در تلویزیون دیدم که حقایق را کاملاً برعکس اعلام می کرد او می گفت مردم مدینه به خاطر امام حسین(ع) قیام می کردند، چنین خبرهایی نبود وگرنه نباید امام سجاد(ع) ساکت می ایستاد. مردم مدینه به قدری نامرد بودند که وقتی امام سجاد(ع) با قافله برگشت به استقبالش نرفتند. زنها به استقبال رفتند فقط دو نفر مرد به استقبال رفتند. مردم مدینه با اهل بیت(ع) کاری نداشتند متأسفانه از نظر تاریخی در قرن اول مدینه فاسدترین شهر جهان اسلام است.

مدینه مرکز تنبور و غنا و هرزگی و عیاشی است. عده ای از بزرگان مدینه وقتی دیدند که فرماندارشان هزار و یک جنایت می کند به شام رفتند که به یزید شکایت کنند. آنها را به دارالاماره پیش یزید بردند خلیفه را دیدند که روی یک دستش میمون است. طرف دیگر هم رقاوه است. یکی شراب می ریزد کمی به بوزینه می دهد و کمی هم خودش می خورد. وقتی برگشتند مردم مدینه جمع شدند و گفتند: شما که رفتید از فرماندار به خلیفه شکایت کردید، چه گفت؟ گفت: ما که خلیفه ندیدیم، ما رفتیم یک آدم هرزه، زشت، زناکار، عیاش و شرابخوار دیدیم، خلیفه نبود.

مردم مدینه که قیام کردند، خبر از اهل بیت(ع) نبود. به این جمله امام صادق(ع) توجه کنید: «ارتد الناس بعد الحسین(ع) الا ثلاثه و خمسہ...» بعد از امام حسین(ع) همه مرتد شدند یا سه نفر یا پنج نفر یا هفت نفر ماندند. بعضی از علمای شیعه در این روایت تردید کردند گفتند معنا ندارد که همه مرتد شدند فقط سه نفر ماندند. آنهایی که این روایت را تکذیب کردند طبیعت تاریخ را نفهمیدند. اگر به جزوه پیشوای صادق یا زندگانی حضرت سجاد(ع) مقام معظم رهبری نگاه کنید ایشان فرمودند این ارتداد، ارتداد سیاسی است نه ارتداد اعتقادی، یعنی نه اینکه مردم نماز نمی خواندند، نه اینکه روزه نمی گرفتند، نه اینکه حج نمی رفتند نه اینکه به مسجد نمی رفتند. به مسجد می رفتند اما در کنار عبدالملک مروان می رفتند. به مکه می رفتند اما با هشام بن عبدالملک می رفتند. کسی که با هشام به حج می رود به قول شریعتی فرقی نمی کند که برگرد مکه بچرخد یا برگرد سنگ بچرخد.

امام سجاد(ع) مبارزه با ظلم و حکومت وقت را از مرحله سکوت شروع کرد. در همین روایت ذکر شده امام صادق(ع) می فرمایند که «ثم ان الناس لحقوا و كثروا» با هدایت امام، یاران آرام آرام زیاد شدند که می بینیم بعد از شهادت امام سجاد(ع) پای درس امام باقر(ع) انبوهی مفسر نشسته اند. اینها از کجا آمده اند؟ اینها با هدایت های امام سجاد(ع) آمده اند.

تربیت برده ها

چند پدیده در زندگی امام سجاد(ع) هست که قابل توجه است: گریه، برده داری، دعا و انفاق. چرا برده می گرفتند، در حالی که پیغمبر(ص) فرموده بودند بدترین آدمها کسی است که برده می گیرد. چرا می گرفتند، چون آنها را در منزل تربیت و بعد آزاد می کردند؟ یعنی عملاً منزل ائمه(ع) برای برده ها که امام سجاد(ع) بیشترینشان را داشت، مدرسه بود. بیشتر قیام کنندگان در کنار زید(ع) فرزند امام سجاد(ع) برده ها بودند. حضرت شب عید فطر، شب عید قربان، شب عید غدیر، شب جمعه در را باز می کردند و می گفتند شما آزادید هر کس می خواهد برود، هیچ کس نمی رفت. اگر هم کسی می رفت آنها را حمایت مالی می کرد.